

گمانه زنی در باب مؤلف بحر الفوائد

۱۴۵-۱۵۷

چکیده: بحر الفوائد متن فارسی کهنی است که نویسنده ناشناخته‌اش، آن را به شیوه دائرةالمعارف موجزی از علوم دینی و معارف زمانه خود نگاشته است. در متن و نسخه‌های خطی کتاب، هیچ نشانی از نام نویسنده آن دیده نمی‌شود و پژوهشگران قبلی از جمله مصحح آن مرحوم محمدتقی دانش‌پژوه نیز موفق به شناسایی وی نشده‌اند. نویسنده مقاله پیش رو، با ردگیری سرخ‌هایی که متن کتاب در راستای شناسایی ماهیت مؤلف آن به دست می‌دهد، همچون مذهب و باورهای دینی مؤلف و تألیف کتاب در نیمه سده ششم هجری در سرزمین شام، و با بهره‌گیری از دیگر شواهد درون‌متنی و برون‌متنی، به گمانه‌زنی درباره ماهیت مؤلف بحر الفوائد پرداخته و یکی از فقهای شافعی ساکن شام به نام قطب‌الدین نیشابوری (۵۰۵-۵۷۸ق) را به عنوان مؤلف احتمالی آن پیشنهاد داده است.

کلیدواژه‌ها: متون فارسی؛ متون کهن؛ بحر الفوائد؛ قطب‌الدین نیشابوری؛ شام؛ احمد پلیمان

Speculation about the Author of «Baḥr al-Fawā'id»

Ahmad Khameyar

Abstract: Baḥr al-Fawā'id is an ancient Persian text written by an unknown author in the form of a brief encyclopedia of religious sciences and teachings of his time. In the text and manuscripts of the book, no trace of the authors name can be seen and previous researchers, including its editor Mohammad Taghi Danesh-pajoo, have not been able to identify him. The author of the present article, by following the clues that the text of the book provides in order to identify the identity of its author, such as his religion and religious beliefs and the time of the writing of the book in the middle of the sixth century AH in Syria, and using other internal and external evidence, has speculated about the identity of the author of Baḥr al-Fawā'id and has suggested one of the Shaf'i jurists living in the Syria named Qutbuddīn Neyshābūrī (505-578 AH) as its possible author.

Keywords: Persian texts; Ancient texts; Baḥr al-Fawā'id ; Qutbuddīn Neyshābūrī ; Syria;

تصوّرات حول مؤلّف بحر الفوائد

أحمد خامه يار

الخلاصة: بحر الفوائد هو أحد المصنّفات الفارسيّة القديمة، كتبها مؤلّفه المجهول على شكل موسوعة مختصرة عن العلوم الدينيّة ومعارف عصره. ولا يوجد في نصّ الكتاب ونسخه الخطيّة المختلفة أيّ إشارة لاسم المؤلّف، ولم يتمكّن أيّ من المحقّقين السابقين لهذا الكتاب - ومنهم مصحّحه المرحوم محمّد تقي دانش پزوه - من تعيين هويّته.

والمقال الحالي يسعى كاتبه لتتبع بعض رؤوس الخيوط التي يمكن العثور عليها في نصّ الكتاب عن هويّة المؤلّف، من قبيل مذهبه وعقيدته الدينيّة وتألّف الكتاب في منتصف القرن السادس الهجري في بلاد الشام، ومن خلال جمعها مع باقي الشواهد التي يمكن استلهاها من النصّ ومن خارجه، ليصل إلى تخمين هويّة المؤلّف لهذا الكتاب قائلاً أنّه يرى احتمال أن يكون المؤلّف هو أحد الفقهاء الشافعيّين من سكنة الشام واسمه قطب الدين النيشابوري (505 - 578 هـ).

المفردات الأساسيّة: النصوص الفارسيّة، النصوص القديمة، بحر الفوائد، قطب الدين النيشابوري، الشام، أحمد يليان.

تقدیم به دوست فاضل و کتاب شناس آقای محمد مهدی جعفری (طبری)

مقدمه

بحر الفوائد متن فارسی کهنی است از مؤلفی ناشناخته، که به شیوه دائرةالمعارف موجزی از علوم دینی و معارف زمانه، و به عنوان راهنما و دستورالعملی برای امرا و فرمانروایان نگاشته شده است. این متن تاکنون یک بار، به تصحیح زنده یاد محمد تقی دانش پژوه، در ضمن سلسله «مجموعه متون فارسی» تصحیح و از سوی بنگاه ترجمه و نشر کتاب، در سال ۱۳۴۵ در تهران منتشر شده است.

بحر الفوائد نامی است که مؤلف برای اثر خود برگزیده. او این اثر را مشتمل بر انواع علوم دانسته و متن آن را به سی و شش «کتاب» تقسیم بندی کرده است. هر یک از این کتاب ها چند باب (وگاه تنها یک باب) را در برمی گیرد و تعداد آنها به ۳۰۰ باب می رسد. مؤلف در مقدمه، فهرست مفصل و کاملی از عناوین و موضوعات کتاب ها و باب های اثر خود به دست داده است (بحر الفوائد، ۱۳۴۵: ۴-۱۱).

کتاب های ۳۶ گانه بحر الفوائد، علوم و موضوعات گوناگونی همچون اخلاق، آداب و اصول و عقاید دینی، برخی ابواب فقهی (از جمله مناسک حج) و سایر معارف رایج زمانه مؤلف را شامل می شود. در این میان، عناوینی همچون کتاب عجائب الدنيا (در جغرافیا و عجایب نگاری)، کتاب الجواهر (در گوهرشناسی) و کتاب جوابات الروم والافرنج (در پاسخ به شبهه های مسیحیان) نیز به چشم می خورد.

مؤلف کتاب، از علمای اهل سنت است که چنانکه مرحوم دانش پژوه در مقدمه تصحیح خود اشاره کرده، در عقاید دینی، اشعری مسلک بوده. احکام و مسائل فقهی را نیز بیشتر مطابق فقه شافعی و حنفی بیان کرده و البته ظاهراً پیرو مذهب شافعی بوده است (همان: مقدمه تصحیح، ۱۳). با توجه به گستردگی دانش مؤلف، قاعدتاً می بایست از جایگاه علمی ویژه ای در زمان خود برخوردار می بوده است.

او در «کتاب مناقب الائمة»، به فضائل امامان مذاهب مشهور اهل سنت در زمان خود پرداخته و «کتاب نوادر العلماء» را به مختصری از اقوال بزرگان و پیشوایان دینی اختصاص داده است. افزون بر این، نقل قول های فراوانی نیز از صوفیان دارد و کتاب «حکایات الصالحین» را به داستان هایی از صوفیان مشهور اختصاص داده است. این مسئله تمایلات صوفیانه وی را نشان می دهد.

با این حال، بحر الفوائد از مؤلف آن چهره عالمی بسیار متعصب و سخت ضد شیعی و اسماعیلی ستیز به نمایش می گذارد. او یکی از کتاب های ۳۶ گانه اثر خود را «کتاب الرد علی الملحدین» نامیده و در آن، تاریخچه ای از دعوت اسماعیلیه و فضایح و باورهایشان به دست داده است. در ادامه نیز

به صورت پرسش و پاسخ، به ردّ برخی از اعتقادات کلامی شان، که همواره آنها را ملحد می خواند، پرداخته است.

مؤلف در این بخش از اثر خود، با باطنیان و اسماعیلیان و به ویژه حسن صباح و پیروان وی (اسماعیلیان نزاری)، به شدت دشمنی ورزیده است. او همچنین با بیان اینکه «قتل ایشان حلال تر است که آب باران»، به اباحه ریختن خون آنها حکم داده و سلاطین و پادشاهان را به قتل و قتل آنان تحریک کرده است؛ چراکه «خون ملحد ریختن اولی تر است که هفتاد کافر رومی را کشتن» (همان: ۳۶۱).

در متن کتاب، سرنخ‌هایی وجود دارد که از آنها تاریخ تقریبی نگارش کتاب به دست می آید. از مهم ترین این سرنخ‌ها آن است که مؤلف در پایان کتاب «سیر الخلفاء»، فهرست خلفای عباسی را با المقتدی لأمرالله (خلافت: ۵۳۰-۵۵۵ ق) ختم می کند (همان: ۳۴۲). این مسئله نشان می دهد او نگارش کتاب خود را در دوره خلافت و زمان حیات این خلیفه عباسی، یعنی پیش از سال ۵۵۵ ق به پایان برده است.

او همچنین از جانشین حسن صباح به نام «کیا» یاد و اشاره کرده است که «پسروی را مسلمانان در جیلان بکشتند و امروز پسر دیگر نشسته است» (همان: ۳۴۸-۳۴۹). مرحوم دانش پژوه این پسر دیگر را منطبق بر «حسن بن بزرگ امید» (حکومت: ۵۵۷-۵۶۱ ق) دانسته و بر این اساس احتمال داده است که کتاب در حدود سال‌های ۵۵۲-۵۵۷ ق نوشته شده باشد (همان: مقدمه تصحیح، ۱۳).

نکته بسیار مهم دیگر آن است که مؤلف در مقدمه بحر الفوائد گفته است که آن را به مدت پنج سال در سرزمین شام، و به نام «الب قتلغ جبوغا الغ اتابک ابی سعید ارسلان ابه بن آقسنقر» نگاشته است (همان: ۳-۴). اما مرحوم دانش پژوه و دیگر پژوهشگرانی که پیش از وی به معرفی این اثر پرداخته اند، موفق به شناسایی این شخص نشده اند.

از بحر الفوائد تا کنون چهار نسخه خطی شناخته شده است که عبارت‌اند از: نسخه کتابخانه ملی پاریس به شماره ۲۳ فارسی، کتابت عبدی بن شیخ زاده حسام در ۹۷۹ ق (Blochet, ۱۹۱۲: vol. ۲, p. ۳)؛ نسخه کتابخانه مجلس به شماره ۹۳۶۲، بی‌کا و بی‌تا، از سده هشتم (حافظیان بابلی، ۱۳۸۸: ۳۰/۹۰-۹۱)، که گویا در اصل متعلق به کتابخانه آقای سلطان القرائی بوده؛ نسخه مجموعه شیرانی به شماره ۱۵۲۹، بی‌کا و بی‌تا؛ و نسخه شماره ۲۸۶۷ در کتابخانه لیدن (درایتی، ۱۳۹۱: ۵/۷۷۰) که اگرچه بی تاریخ، اما ظاهراً کهن ترین نسخه بحر الفوائد است (رویت تصاویر نسخه).

مرحوم دانش پژوه در تصحیح متن بحر الفوائد، از دو نسخه کتابخانه پاریس و کتابخانه شخصی سلطان القرائی (انتقالی به کتابخانه مجلس)، که گویا در آن زمان تنها به این دو نسخه دسترسی

داشته، بهره برده است (بحر الفوائد، مقدمه تصحیح، ۱۵). با توجه به امکان دسترسی به دو نسخه دیگر در زمان حال (به ویژه نسخه کهن و ارزشمند لیدن) و نیز وجود اشتباهاتی در متن نسخه چاپی کتاب، که بررسی آنها از حوصله این مقاله خارج است، تصحیح و چاپ دوباره آن ضروری به نظر می‌رسد.

ما در این نوشتار، با توجه به ادبیات کتاب و شواهد درون متنی و برون متنی و با در نظر گرفتن سرنخ‌هایی که مؤلف درباره محل و تاریخ تقریبی نگارش اثر خود به دست داده است، به گمانه زنی درباره نویسنده بحر الفوائد پرداخته و تلاش کرده‌ایم تا از میان علمای اهل سنت ایرانی ساکن شام در سده ششم هجری، شخصی را که می‌تواند نزدیک‌ترین گزینه به عنوان مؤلف این کتاب باشد، پیشنهاد دهیم.

مُهدی الیه بحر الفوائد کیست؟

پیش از گمانه‌زمانی درباره نویسنده بحر الفوائد، لازم است به معرفی مُهدی الیه این کتاب، که پژوهشگران قبلی موفق به شناسایی وی نشده‌اند، بپردازیم. چنانکه اشاره شد، مؤلف، اثر خود را به نام «الْب قتلغ جبوغا الغ اتابک ابی سعید ارسلان ابه بن آقسنقر» نگاشته و از وی با القاب و تعابیر «پادشاه عالم عادل نصره الدین عماد الاسلام قطب الدوله و بهاء المله شرف الامه قانع الکفره والمشرکین» و «ظهير امير المؤمنين» یاد کرده است (همان: ۳-۴).

پژوهشگران قبلی همچون بلوشه و دانش پژوه، پدر مُهدی الیه را همان قسیم الدوله آقسنقر (حکومت: ۴۷۸-۴۸۷ق). والی سلجوقی حلب. دانسته‌اند و بر این اساس مُهدی الیه را نیز برادر کوچک عمادالدین زنگی (حکومت: ۵۲۱-۵۴۱ق). مؤسس سلسله آل زنگی یا اتابکان موصل و حلب. تصوّر کرده‌اند (همان: مقدمه تصحیح، ۱۲؛ Blochet, vol. ۲, p. ۲). در حالی که آقسنقر یاد شده، فرزندی جز عمادالدین زنگی نداشته است (ابن اثیر، بی تا: ۱۵).

با این حال برخلاف این دیدگاه، با جستجوی ساده‌ای می‌توان پی برد که مُهدی الیه بحر الفوائد، کسی نمی‌تواند باشد جز نصرت الدین ارسلان ابه (ملقب به خاص بک) فرزند آق سنقر، از حاکمان خاندان «احمدیلیان» یا اتابکان مراغه، که فرمانروایان این شهر و بخش‌هایی از آذربایجان در سده ششم هجری بوده‌اند.

با استناد به نتایج تحقیقات پژوهشگران قبلی درباره خاندان احمدیلیان^۱، ارسلان ابه پس از قتل پدرش

۱ نخستین و مفضل‌ترین پژوهش‌نویس به زبان فارسی درباره این خاندان را احمد کسروی در گفتار سوم کتاب ارزشمند خود شهریاران گمنام انجام داده است. همچنین در همین زمینه می‌توان به مدخل «احمدیلیان» به قلم مرحوم عباس زریاب خوئی در دائرة المعارف بزرگ اسلامی اشاره کرد.

آق سنقر در سال ۵۲۷ق، حاکم مراغه گشت و گویا برای مدتی، به استقلال از سلطان سلجوقی، بر این شهر حکمرانی کرد؛ و سرانجام در سال ۵۷۰ق از دنیا رفت و فرزندش فلک الدین را به جانشینی خود گماشت (زریاب خوئی، ۱۳۶۷: ۱۱۹/۷-۱۲۱).

عالمان سنتی خراسانی مقیم شام در سده ششم

چنانکه اشاره شد، بحر الفوائد در سال‌های میانی سده ششم در سرزمین شام نگاشته شده است. متن دائرة المعارف گونه اثر نیز جایگاه علمی مؤلف آن را نشان می‌دهد. از این رو به نظر می‌رسد که نویسنده بحر الفوائد را باید از میان علمای ایرانی و فارسی‌زبانی که در این دوره از ناحیه ایران یا خراسان بزرگ به شام مهاجرت کرده بودند، جستجو کرد.

چنانکه می‌دانیم، سرزمین شام در سده‌های چهارم و پنجم، در نتیجه روی کار آمدن حکومت‌های شیعی بنی‌حمدان و بنی‌مرداس در شمال آن و تصرف بخش‌های جنوبی آن از سوی خلافت فاطمی، شاهد گسترش تشیع در برخی از مناطق و شهرهای آن همچون حلب، طرابلس، صور، طبریه و شمال فلسطین بوده است. اما با تصرف شام به دست سلجوقیان، چرخ روزگار به نفع اهل سنت برگشت.

در شهر حلب که برای نزدیک به دو بیست سال، از نیمه نخست سده چهارم، به تدریج به شهری با اکثریت شیعی و بلکه مهم‌ترین پایگاه تشیع در شام تبدیل شده بود، در سال ۵۱۷ق، نخستین مدرسه اهل سنت به نام «شرفیه» (رَجَاجِیَه در دوره‌های بعدی)، به دستور والی سلجوقی حلب، بدرالدوله سلیمان بن عبدالجبار بن ارتق (حکومت: ۵۱۵-۵۱۷ق) ساخته شد (ابن شداد، ۱۹۹۱م: ۱/۱/۲۴۱).

ساخت این مدرسه در آغاز با واکنش و مقاومت شدید جامعه شیعه حلب مواجه شد؛ اما سرانجام با وساطت و همکاری بزرگ شیعیان، شریف زهره بن علی حسینی (د ۵۴۰ق)، ساخت مدرسه به پایان رسید (همانجا). شیعیان حلب پیش‌تر نیز در سال ۵۰۹ق، نسبت به ساخت نخستین خانقاه صوفیان در این شهر که «بدرالدین لؤلؤ» قصد ساخت آن را داشت، واکنش مشابهی نشان داده و مقاومت کرده بودند (العشماوی، ۲۰۱۰م: ۱۰۸-۱۰۹).

در دوره عمادالدین زنگی، مؤسس دولت آل‌زنگی یا اتابکان موصل، مناسبات حسنه‌ای میان وی و جامعه شیعه حلب وجود داشت و او سیاست مدارا با شیعیان را در پیش گرفته بود. اما فرزند و جانشین وی نورالدین محمود (حکومت: ۵۴۱-۵۶۹ق)، با هدف نزدیکی به اهل سنت و زمینه‌سازی روانی برای فتح دمشق، سیره‌ای مخالف با سیره پدر برگزید و به توصیه برخی از علمای اهل سنت، سیاست مذهبی بسیار سخت‌گیرانه‌ای را در ازای شیعیان حلب در پیش گرفت.

او به موازات سخت‌گیری مذهبی خود نسبت به شیعیان، نهضت ساخت مدارس فقهی اهل سنت

را در حلب و سپس در دمشق و سایر شهرهای شام آغاز کرد؛ به طوری که در دوره ۲۸ ساله حکومت وی، چهار مدرسه دینی برای تدریس فقه شافعی، و شش یا هفت مدرسه برای تدریس فقه حنفی در شهر حلب ساخته شد (برای آگاهی بیشتر درباره این مدارس بنگرید: ابن شداد، ۱/۱/۲۴۴-۲۵۳، ۲۶۴-۲۷۸). سیاست ساخت مدارس دینی، که بعدها ایوبیان نیز به شکل گسترده تری آن را ادامه دادند، بیشترین تأثیر را در تحول مذهبی شهر حلب و سرزمین شام از تشیع به مذاهب اهل سنت به جا گذاشت.

نهضت ساخت مدارس فقهی اهل سنت در شام در این دوره، فضا و انگیزه‌ای را برای بسیاری از علما و فقهای اهل سنت ایرانی و خراسانی ایجاد کرد تا به قصد تدریس و عهده دار شدن مناصب علمی این مدارس، به شام مهاجرت کنند. به طوری که با بررسی نسبت‌های مدرّسان و متولیان مدارس ساخته شده در حلب در دوره نورالدین محمود، می‌توان پی برد که تقریباً همه آنها، فقهای سنتی منسوب به شهرهای خراسان و ماوراءالنهر بوده‌اند.

برخی از این فقها، شهرت بیشتر و جایگاه علمی بالاتری نسبت به دیگران داشتند و معمولاً دارای روابط بسیار نزدیکی با پادشاهان معاصر خود همچون نورالدین محمود و صلاح‌الدین ایوبی بودند. این پادشاهان، آنان را به تدریس و پذیرش منصب شیخیت (در واقع ریاست و تولیت) مدارس می‌کردند که خود در شهرهای شام می‌ساختند، دعوت می‌کردند.

از آن جمله می‌توان به برهان‌الدین علی بن حسن بلخی (د. ۵۴۸ق)، فقیه حنفی اشاره کرد که در سال ۵۱۸ق به دمشق مهاجرت کرد (ابن عساکر، ۱۹۹۵م: ۴۱/۳۴۰) و پس از پایان ساخت مدرسه حلاویه، نخستین و مشهورترین مدرسه فقه حنفی در حلب، به دعوت نورالدین محمود، از دمشق برای تدریس در آنجا، به عنوان نخستین مدرّس آن، به حلب مهاجرت کرد (ابن شداد، ۱/۱/۲۶۵). او در این شهر تلاش‌های فراوانی در راستای مقابله با تشیع انجام داد (ذهبی، ۲۰۰۳م: ۱۱/۹۳۵).

شخصیت دیگر، علاء‌الدین عبدالرحمان بن محمود غزنوی حنفی (د. ۵۶۴ق) است که پس از برهان‌الدین بلخی، تا پایان عمر خود، تدریس مدرسه حلاویه را برعهده داشت (ابن شداد، ۱/۱/۲۶۷). نیز باید از رضی‌الدین محمد بن محمد سرخسی (د. ۵۷۱ق)، دیگر فقیه حنفی یاد کرد که پس از علاء‌الدین غزنوی، تدریس در مدرسه حلاویه حلب را ادامه داد (همانجا). او آثار مهمی در فقه حنفی، از جمله کتاب محیط‌الرضوی (در چهل مجلد) داشته است.

شخصیت مشهور دیگر، علاء‌الدین ابوبکر بن مسعود کاسانی (د. ۵۸۷ق)، فقیه حنفی از کاسان ماوراءالنهر بود که چندی به بلاد روم مهاجرت کرد و سپس به دعوت نورالدین محمود، برای تدریس در مدرسه حلاویه حلب را پذیرفت؛ و درباره اش گفته‌اند که معتزله و اهل بدعت را بسیار مذمت می‌کرد

و در دروس خود، به آنها لعن و ناسزا می‌گفت (ابن عدیم، ۲۰۱۶م: ۹۲/۱۰-۹۳).

نگارنده این سطور، از میان شمار فراوان فقها و علمای اهل سنت که در سده ششم از ایران یا خراسان و ماوراءالنهر به شام مهاجرت داشته و سال‌هایی از عمر خود را آنجا سپری کرده بودند، فقیهی شافعی به نام «قطب‌الدین نیشابوری» را، به عنوان کسی که بیش از دیگران می‌تواند مؤلف احتمالی بحر الفوائد باشد، تشخیص و پیشنهاد می‌دهد.

قطب‌الدین نیشابوری کیست؟

بهترین شرح حال از وی را ابن عساکر (د. ۵۷۱ق) به دست داده است. براساس این شرح حال، قطب‌الدین ابوالمعالی مسعود بن محمد بن مسعود نیشابوری (۵۰۵-۵۷۸ق)، علوم دینی از جمله فقه را در زادگاه خود نیشابور و چندی نیز در مرو به پایان برد و مدتی در نظامیه نیشابور، به نیابت از ابن بنت جونی به تدریس پرداخت. سپس در سال ۵۴۰ق به دمشق مهاجرت کرد و در مدرسه مجاهدیه این شهر و سپس در زاویه غربی جامع دمشق به تدریس پرداخت. سپس به حلب رفت و در آنجا، در دو مدرسه‌ای که نورالدین محمود و اسدالدین شیرکوه برای وی بنا کردند، به تدریس پرداخت. پس از مدتی از حلب به همدان رفت و تدریس در این شهر را عهده‌دار گردید. سپس به دمشق بازگشت و سال‌های پایانی عمر خود را در این شهر سپری کرد و پس از مرگ، در مقبره الصوفیه (قبرستان صوفیه) در غرب دمشق به خاک سپرده شد (ابن عساکر: ۱۳/۵۸-۱۴).

قطب‌الدین نیشابوری از جایگاه علمی بالایی در زمان خود برخوردار بود؛ چنانکه به گفته مورخان، «تفرد برئاسة الشافعية»، و به گفته ابن نجار (د. ۶۴۳ق)، «كان يُقال: إنّه بلغ حدّ الامامة على صغر سنّه». تاج‌الدین شبکی (د. ۷۷۱ق) نیز درباره وی گفته است: «كان اماماً في المذهب والخلاف والأصول والتفسير والوعظ، ادبياً مناظراً؛ و وی را در اشتهار به فصاحت و بلاغت ستوده است. مورخان برای وی از کتابی به نام «الهادی» در فقه یاد کرده‌اند (سبکی، ۱۹۶۴م: ۲۹۷/۷) که موضوع آن فقه شافعی است.^۲

شواهد انطباق مؤلف بحر الفوائد بر قطب‌الدین نیشابوری

هر یک از شواهد و قراینی که در ادامه برای احتمال انطباق مؤلف بحر الفوائد بر قطب‌الدین نیشابوری ارائه می‌گردد، ممکن است به تنهایی برای اثبات این احتمال کافی نباشد. اما مجموع این شواهد و

۲ علاء‌الدین کاسانی دارای تألیفاتی بوده است؛ از جمله: بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، در شرح کتاب تحفة الفقهاء شیخ خود علاء‌الدین سمرقندی (د. حدود ۵۴۰ق)؛ المعتمد من المعتمد (که نسخه‌ای از آن در کتابخانه چستریبیتی نگهداری می‌شود)؛ والسلطان المبین فی اصول الدین.

۳ نگارنده این سطور لااقل سه نسخه خطی از این اثر سراغ دارد که عبارت‌اند از: نسخه گنجینه ایاصوفیا به شماره ۱۵۰۹ در کتابخانه سلیمانیه استانبول؛ نسخه کتابخانه شهرداری اسکندریه به شماره ۴۵ فقه شافعی؛ و نسخه مرکز ملک فیصل ریاض به شماره ب۱۴۹۲۷-۱۴۹۲۷.

قراین در کنار یکدیگر، می‌تواند وی را به عنوان نزدیک‌ترین گزینه برای اینکه مؤلف بحر الفوائد باشد، مطرح کند. مهم‌ترین این شواهد و قراین به شرح زیر است:

۱. به باور نگارنده این سطور، یکی از سرنخ‌های مهم برای شناسایی مؤلف بحر الفوائد آن است که او در پایان «کتاب تذکره الآخرة» از این اثر، چندین قصیده و رباعی از ظفر همدانی، شاعر پارسی سرای سده ششم را نقل کرده است (بحر الفوائد: ۴۴۱-۴۴۴) که این اشعار در منابع دیگری دیده نمی‌شود. در حالی که در سایر بخش‌های کتاب، اشعار فارسی بسیار اندکی، تقریباً شامل یک قطعه و یک رباعی، و البته بدون اشاره به نام سراینندگان آنها، به چشم می‌خورد (همان، ۲۶۰، ۲۷۰).

در اینجا این سؤال مطرح می‌شود که چرا نویسنده بحر الفوائد، از میان سراینندگان پارسی‌گوی (البته با چشم‌پوشی از قطعه و رباعی دیگر)، تقریباً به اشعار ظفر همدانی اکتفا کرده است؟ آیا این نکته می‌تواند بر آشنایی وی با ظفر همدانی یا حتی هم‌نشینی با وی و نقل این اشعار از وی یا دیوانش، دلالت داشته باشد؟

به نظر می‌رسد وجود شاهد فوق در بحر الفوائد می‌تواند به نوعی ارتباط میان مؤلف آن و شهر همدان را برساند؛ و در این صورت این مسئله می‌تواند قرینه‌ای بر تعلق این اثر به قطب‌الدین نیشابوری باشد. چراکه از میان علما و فقهای ایرانی و خراسانی ساکن شام در سده ششم، قطب‌الدین نیشابوری تنها کسی است که در شرح حال وی، به مهاجرتش به همدان اشاره کرده‌اند.

برای تعیین بازه زمانی تقریبی مسافرت نیشابوری از حلب به همدان و بازگشت وی به دمشق، باید اشاره کرد که مقصود از مدرسه‌ای که نورالدین محمود برای وی در حلب بنا کرد، «مدرسه نغریه نوریه» است که در سال ۵۴۴ق ساخته شد (ابن شداد، ۱/۱/۲۴۸)؛ و مقصود از مدرسه‌ای که اسدالدین شیرکوه برای وی بنا کرد، مدرسه اسدییه است که اگرچه تاریخ ساخت آن را نمی‌دانیم (ابن شداد، ۱/۱/۲۵۳)، اما قاعدتاً باید در حفاصل ۵۴۴ تا ۵۶۴ق (تاریخ مرگ شیرکوه) ساخته شده باشد. بنابراین مهاجرت قطب‌الدین نیشابوری به همدان، احتمالاً چندی پس از سال ۵۴۴ق (و پیش از سال ۵۶۴ق) صورت گرفته و در حدود سال ۵۷۱ق (تاریخ درگذشت ابن عساکر) به دمشق بازگشته است (ابن عساکر، ۱۳/۵۸).

از سوی دیگر، می‌دانیم که امیر شیرگیر، برادر ارسلان‌ابه احمدیلی که مَهْدی‌الیه کتاب بحر الفوائد بوده

۴ ابن عساکر به باقی ماندن قطب‌الدین نیشابوری در همدان تا زمان خود اشاره کرده و عبارت او چنین است: «... ثم خرج من حلب ومضى الى همدان، وتولى بها التدريس، وهوبها الى الآن، له قبول.» با این حال، در ادامه همین سخن، به بازگشت نیشابوری به دمشق و تدریس وی در زاویه غربی جامع دمشق اشاره شده و جزئیات وفات و دفن وی در این شهر آمده است. با توجه به اینکه نیشابوری تقریباً هفت سال پس از ابن عساکر از دنیا رفته، باید توجه داشت که این توضیحات، از تعلیقات و افزوده‌های فرزند نویسنده تاریخ دمشق، «فخرالدین ابن عساکر» بر تاریخ پدر خود است و مصحح متن، بدون توجه به این نکته، این توضیحات را بدون تفکیک از متن اصلی درج کرده است.

در سال ۵۴۹ق با سپاه برادر خود به همراهی اتابک ایلدگر برای تسلیت‌گویی به سلطان محمد بن محمود سلجوقی (حکومت: ۵۴۷-۵۵۴) که همسرش را از دست داده بود، به همدان رفته و چندی آنجا اقامت کرده بودند؛ و همین سلطان به هنگام مرگ (۵۵۴ق)، پسر کوچک خود را به ارسلان‌ابه سپرده و ارسلان‌ابه، او را با خود به مراغه برده بود (زریاب خوئی، ۱۲۰/۷).

با توجه به اینکه کتاب بحر الفوائد ظاهراً در دوره خلافت المقتفی لأمرالله (۵۳۰-۵۵۵ق) به پایان رسیده است (بحر الفوائد: ۳۴۲)، اگر بپذیریم قطب‌الدین نیشابوری مؤلف بحر الفوائد بوده، بعید نیست که او در همین سال‌ها، کتاب خود را که پیش‌تر در شام نوشته بوده، در همدان به ارسلان‌ابه تقدیم کرده باشد. هرچند این احتمال نیز دور از ذهن نیست که نیشابوری از زمان حضور خود در شام، بی‌ارتباط با ارسلان‌ابه نبوده و در همانجا، کتاب خود را به نام وی نگاشته است.

۲. شاهد مهم دیگر بر احتمال انتساب بحر الفوائد به قطب‌الدین نیشابوری آن است که بهاء‌الدین ابن شدّاد (۶۳۲ق)، مورخ دوره ایوبی، در سیره صلاح‌الدین ایوبی (حکومت: ۵۶۹-۵۸۹ق) نوشته است که قطب‌الدین نیشابوری برای وی عقیده‌نامه‌ای گرد آورده بود تا صلاح‌الدین، هرآنچه را که در این باب (معارف و عقاید) بدان نیاز داشت، به آن عقیده‌نامه مراجعه کند؛ و او از شدّت اهتمام خود به آن، آن را به فرزندان خردسال خود می‌آموخت تا از کودکی، در ذهن آنها رسوخ کند؛ و من آن عقیده‌نامه را دیدم که فرزندان صلاح‌الدین آن را نزد پدر از حفظ می‌خواندند (بهاء‌الدین ابن شدّاد، بی‌تا، ۲۵-۲۶).

بلوشه در فهرست نسخ خطی فارسی کتابخانه ملی پاریس درباره بحر الفوائد ابراز عقیده کرده است که: از طرح و محتوای بحر الفوائد چنین برمی‌آید که این کتاب به منظور آموزش عمومی شاهزاده‌ای که وقت کافی برای پرداختن به جزئیات را نداشته، تدوین شده است (Blochet, vol. ۲, p. ۲).^۵ این اظهار نظر می‌تواند منطبق بر توصیفی باشد که بهاء‌الدین ابن شدّاد درباره عقیده‌نامه یا معارف‌نامه تهیه شده برای صلاح‌الدین، به دست داده است.

البته طبیعتاً به این استدلال ممکن است این اشکال گرفته شود که بحر الفوائد اثری فارسی است؛ اما کتاب نیشابوری برای صلاح‌الدین، به احتمال زیاد اثری عربی بوده است. این اشکال را می‌توان چنین پاسخ داد که ممکن است نیشابوری پس از بازگشت از همدان به دمشق، تحریری عربی از بحر الفوائد ساخته و آن را به صلاح‌الدین تقدیم کرده است. وجود متون مهم دیگری از سده‌های پنجم و ششم هجری، همچون التفهیم ابوریحان بیرونی و گیهان شناخت قطان مروزی که مؤلفان آنها، تحریری فارسی و عربی از آثار ساخته بودند، می‌تواند رواج این مسئله را در آن دوره نشان دهد.

همچنین نباید فراموش کرد که رویکرد اسماعیلی ستیزانه کتاب بحر الفوائد، که نورالدین محمود بن

زنگی و بلکه بیشتر از وی صلاح‌الدین ایوبی، آن را در پیش گرفته بودند و به جدّیت دنبال می‌کردند، ممکن است آنها در این رویکرد تحت تأثیر علمای متعصبی همچون همین قطب‌الدین نیشابوری قرار گرفته باشند و اگر بپذیریم عقیده‌نامه یا معرفت‌نامه‌ای که نیشابوری برای صلاح‌الدین نگاشته بود، همان بحر الفوائد یا تحریر دیگری از آن بوده، این مسئله می‌تواند نشان‌دهنده تأثیرگذاری این کتاب بر صلاح‌الدین و تفسیرگر سیاست اسماعیلی ستیزانه وی باشد.

۳. چنانکه اشاره شد، قطب‌الدین نیشابوری کتابی به نام الهادی در فقه مذهب شافعی داشته است. هرچند بحر الفوائد، ابواب فقهی کمی دارد، اما در میان مباحث فقهی آن، می‌توان عبارت‌هایی را یافت که معادل یا برگردان عربی آنها، در الهادی نیز به چشم می‌خورد. به عنوان نمونه، در مقایسه میان کتاب «مناسک حج» از بحر الفوائد با «کتاب الحج» در الهادی فی الفقه اثر نیشابوری، هرچند اختلاف‌هایی میان دو متن از جهت ترتیب موضوعات یا تفصیل و تلخیص مطالب وجود دارد؛ اما احکام و مسائل فقهی تا حدود زیادی نزدیک و گاه کاملاً منطبق بر یکدیگر است که در اینجا، نمونه‌هایی از تشابه دو متن بحر الفوائد و کتاب الهادی (مطابق نسخه گنجینه ایاصوفیا) در مسائل فقهی حج را ارائه می‌کنیم:

ردیف	بحر الفوائد (تصحیح دانش پژوه)	صفحه	کتاب الهادی (نسخه ایاصوفیا)	برگ
۱	باب در بیان وقت حج: بدانکه ماه شوال و ذوالقعدة و نه روز اول ماه ذی‌الحجّه و شب عید تا صبح بدمد، اگر کسی پیش از ماه حج احرام آرد به حج احرام، ازو عمرت افتد. اما عمرت در همه سال روا باشد.	۲۷۶	وقت الاحرام بالحجّ شوال وذوالقعدة وتسع من ذی الحجّة وليلة العيد الى وقت طلوع الفجر. فلو أحرم لا فی هذه الاوقات ينعدد إحرامه عن العمرة دون الحج ويتحلّل بعمل عمرة. ووقت العمرة جميع السنة.	۲۸ر
۲	و میقات اهل مدینه، ذوالحلیفه است؛ و میقات اهل شام و مصر و مغرب، جحفه؛ و میقات اهل یمن و تهامه، یلملم؛ و میقات اهل نجد، قرن؛ و میقات اهل مشرق، ذات عرق. اگر مشرقی سوی مغرب آید، میقات او میقات اهل مغرب باشد؛ و اگر شامی از سوی یمن آید، میقات او میقات اهل یمن باشد.	۲۷۸- ۲۷۹	و میقات المکّی باب داره، و میقات المدنّ ذو الحلیفة، و میقات الشامی الجحفة، و میقات الیمنی یلملم، و میقات النجدی. نجد الحجاز و نجد الیمن. قرن، و میقات العراقی ذات عرق. وهذه المواقیت لكلّ من مرّ بهذه المواضع.	۲۸ر
۳	... و اگر هدی نباشد، و بهای آن ندارد با خویشان، ده روز روزه دارد: سه روز پیش از آنکه به حج احرام گرفته باشد پیش از روز عید، و هفت روز پس از آنکه از حج فارغ شود به شهر خویش باز شود	۲۷۸	... وإن كان معسراً، فعليه صيام عشرة ايام: ثلاثة فی الحجّ وسبعة بعد الرجوع الى وطنه	۲۸پ

ردیف	بحر الفوائد (تصحیح دانش پژوه)	صفحه	کتاب الهادی (نسخه ایاصوفیا)	برگ
۴	... اگر سه موی یا ناخن بچیند، گوسفندی واجب آید، و اگر یک موی یا یک ناخن بچیند، مُدّی طعام دهد	۲۸۰	... فلونتف ثلاث شعرات لزمته الفدية، وشعرة واحدة لزمه ثلث الدم على الاصح	۲۹ر
۵	و اگر مُحْرِم با زن جماع کند پیش از تحلل اول، حج تباه شود، و شتری پنج ساله نباید کشت در حرم، و گوشت آن را به درویشان حرم دهد، و آن حج فاسد را تمام کند و دیگر سال قضا کند، و همچنین در عمره، و اگر اشتر ندارد، گاوی بکشد دو ساله تمام، و اگر نیابد، هفت گوسفند یک ساله یا هفت بز بکشد در حرم، و گوشت به درویشان دهد، و گوسفند یک ساله نباید و بز دو ساله کم نشاید، و اگر نیابد، اشتر را قیمت کنند، و بدان قیمت طعام خرد و به درویشان حرم دهد، هر یکی را مُدّی. و اگر طعام نیابد، به هر مُدّی یک روز روزه دارد.	۲۸۱- ۲۸۲	ویحرم علیه این یجامع، فلو جامع قبل التحللین فسد حجّه و یجب المضی فی فاسده، الی ان یتّم اعمال الحجّ و یجب علیه القضاء و الکفارة العظمی، وهی بدنة، فإن لم یجد فبقرة، وإن لم یجد فسبع من الغنم، فإن لم یجد قومت البدنة بالدراهم ویصرفها الی الطعام، فإن لم یجد الطعام صام عن کل مُدّ یوماً.	۲۹ر
۶	چون چشم بر کعبه افتد دست به دعا بردارد و بگوید: «اللهم زد هذا البيت تشریفاً وتعظیماً وتکریماً و براً ومهابة. وزد من شرف وکرمه من حجّه او عمره تشریفاً و براً.»	۲۸۲	واذا وقع بصره على الكعبة يقول: «اللهم زد هذا البيت تعظيماً وتشریفاً وتکریماً ومهابة، وزد من شرفه وعظمه ممن حجّه واعتمره تشریفاً وتعظيماً وتکریماً و براً.»	۲۹پ

نتیجه گیری

تا زمان یافت شدن مدرک و سند تاریخی محکم و قطعی برای شناخت مؤلف کتاب بحر الفوائد، به نظر می رسد که بتوان قطب الدین نیشابوری فقیه شافعی سده ششم را نزدیک ترین گزینه به عنوان مؤلف احتمالی این اثر به شمار آورد. بیشتر علمای اهل سنت ایرانی و خراسانی که در این دوره ساکن شام بوده اند، مذهب حنفی داشته اند؛ اما نیشابوری بر مذهب شافعی بوده و بخش های فقهی بحر الفوائد نیز مطابق این مذهب نوشته شده و حتی عبارت های مشابهی در کتاب الهادی فی الفقه تألیف فقهی نیشابوری دارد.

همچنین از میان این علما، قطب الدین نیشابوری تنها کسی است که چندی در همدان زیسته است و وجود حجم قابل توجهی از اشعار ظفر همدانی در بحر الفوائد، به نوعی نشان دهنده ارتباط مؤلف این اثر با شهر همدان است. نیشابوری همچنین کاملاً معاصر ارسلان ابه احمدیلی. مهدی الیه کتاب بحر الفوائد بوده و با حاکمان شام همچون نورالدین محمود بن زنگی و صلاح الدین ایوبی، ارتباطی

نزدیک و بر آنها تأثیرگذاری داشته است و رویکرد ضد اسماعیلی کتاب بحر الفوائد با سیاست های اسماعیلی ستیزانه این دو پادشاه، قابل جمع است.

فهرست منابع و مآخذ

- ابن اثیر، علی بن محمد (بی تا)، تاریخ الباهر فی الدولة الاتابکية، تحقیق: عبدالقادر احمد طلیمات، قاهره: دار الکتب الحدیثه.
- ابن شداد، محمد بن علی (۱۹۹۱م)، الاعلاق الخطیره فی ذکر امراء الشام والجزیره، تحقیق: یحیی عبّارة، دمشق: وزارة الثقافة.
- ابن عدیم، عمر بن احمد (۲۰۱۶م)، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، تحقیق: المهدی عید الرواضیه، لندن: مؤسسه الفرقان للتراث الاسلامی.
- ابن عساکر، علی بن حسن (۱۹۹۵م)، تاریخ مدینه دمشق، تحقیق: علی شیری، بیروت: دار الفکر.
- بحر الفوائد (۱۳۴۵)، تصحیح: محمد تقی دانش پزوه، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- بهاء الدین ابن شداد، یوسف بن رافع (بی تا)، النوادر السلطانیة والمحاسن البوسفیة، تحقیق: محمد محمود صبح، (بی جا)، الدار القومیة للطباعة والنشر.
- حافظیان بابلی، ابوالفضل (۱۳۸۸)، فهرست نسخه های خطی کتابخانه مجلس شورای اسلامی (ج ۳۰)، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۱)، فهرستگان نسخه های خطی ایران (فنخا)، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران.
- ذهبی، محمد بن احمد (۲۰۰۳م)، تاریخ الإسلام ووفیات المشاهیر والأعلام، تحقیق: بشار عواد معروف، بیروت: دار الغرب الاسلامی.
- زریاب خوئی، عباس (۱۳۶۷)، «احمدیلیان»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
- السبکی، عبدالوہاب بن علی (۱۹۶۴م)، طبقات الشافعیة الكبرى، تحقیق: محمود الطناحی و عبدالفتاح الحلو، دار احیاء الکتب العربیة.
- العشماوی، شیرین (۲۰۱۰م)، کتابات ابن ابی طی الحلبي فی المصادر الاسلامیة، القاهرة: مكتبة الثقافة الدينية.
- نیشابوری، مسعود بن محمد (۶۲۲ق)، کتاب الہادی فی الفقه، نسخه خطی شماره ۱۵۰۹ در گنجینه ایاصوفیا (انتقالی به کتابخانه سلیمانیه استانبول).
- Blochet, E. (1912), *Catalogue des Manuscrits Persans de la Bibliotheque Nationale*, Paris, Reunion Des Bibliotheques Nationales.

